

تعلیقات در ۱۴۱۱ق/ ۱۹۹۱م در بیروت منتشر کرد.

مأخذ: ابن فقیه، احمد، مختصر کتاب البلدان، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۹۶۷م؛ بیرونی، ابوریحان، الجواهر فی معرفۃ الجواهر، حیدرآباد دکن، ۱۳۵۵ق؛ همو، صیدنه، ترجمه ابوبکر بن علی بن عثمان کاسانی، به کوشش منوچهر ستوده و ایرج افشار، تهران، ۱۳۵۸ش؛ خوری، ابراهیم، مقدمه بر اخبار الصين والهند (نکته، سیراف)، سیرافی، حسن، کتاب دوم اخبار الصين والهند، به کوشش ابراهیم خوری، بیروت، ۱۴۱۱ق/ ۱۹۹۱م؛ کتاب اول اخبار الصين والهند، منسوب به سلیمان تاجر (نکته، سیراف)؛ مسعودی، علی، مروج الذهب، به کوشش یارویه دومنار، پاریس، ۱۸۷۴م؛ همو، همان، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحید، قاهره، ۱۳۶۷ق/ ۱۹۴۸م؛ نیز:

El²S; Ferrand, G., *Relations de voyages et textes géographiques arabes, persans et turks*, Paris, 1913; Reinaud, M., *Relation des voyages faits par les Arabes et les Persans*..., Paris, 1845; Sarton, G., *Introduction to the History of Science*, Baltimore, 1950.

عبدالمیر سلیم

الْأَخْبَارُ الطَّوَالِ؛ نک: دینوری.

إِخْبَارُ الْعُلَمَاءِ بِأَخْبَارِ الْحُكَمَاءِ؛ نک: قفطی.

أَخْبَارِ مَكَّةَ؛ نک: ازرقی، محمد بن عبدالله.

اخباری، میرزا محمد، ابو احمد جمال الدین (۲۱ ذیقعد ۱۱۷۸ -

م ۲۸ ربیع الاول ۱۲۳۲ق/ ۱۲ مه ۱۷۶۵ - ۱۵ فوریه ۱۸۱۷م)، فرزند عبدالنبی بن عبدالصانع نیشابوری استرآبادی، فقیه، محدث و از پایه گذاران مکتب اخباریه.

درباره نسب او اختلاف بسیار است، یکی از نوادگان وی به نام ابراهیم بن میرزا احمد، در مقدمه کتاب ایفاظ النبیه (ص ۳۱۳) میرزا محمد را از سادات رضوی دانسته، و نسبش را به حسین پسر موسی المبرقع از فرزندان امام جواد (ع) رسانده است (قن: ابن عنبه، ۲۰۱، که از حسین نامی در میان فرزندان موسی یاد نکرده است). در جایی نیز به نقل از کتاب ضیاء المتقین میرزا محمد، نسب او به شمس الدین محمد جوینی وزیر و صاحب دیوان رسانده شده است (آقابزرگ، ۲۲۲/۱۴). شاید به جهت همین اختلاف است که برخی، سلسله نسب او را فقط تا عبدالصانع بر می شمارند (خوانساری، ۱۲۷/۷).

میرزا محمد در اکبرآباد (معصوم علیشاه، ۱۸۳/۱؛ شیروانی، ۵۸۱) یا فرخ آباد (ابراهیم، ۳۱۴) در سرزمین هند، از مادری استرآبادی (آقابزرگ، ۲۲۱/۱۴) متولد شد. جدش عبدالصانع از مردم استرآباد و پدرش عبدالنبی مقیم نیشابور بود که بعدها به هند مهاجرت کرد (امین، ۱۷۳/۹). اینکه تنکابنی (ص ۱۷۷) او را از مردم بحرین دانسته است، صحت ندارد.

میرزا محمد تحصیلات مقدماتی خود را در هندوستان به انجام رسانید و در حدود ۲۰ سالگی برای گزاردن حج، با خانواده راهی حجاز شد و در میانه راه، پدرش را از دست داد (ابراهیم، ۳۱۴-۳۱۵). پس از اتمام مناسک، راه عراق را در پیش گرفت و چندی در نجف و سپس در کربلا ماند و سرانجام در کاظمین سکنی گزید. در این شهرها،

ازدواج، دزدی، وضع خانه ها، تعدد زوجات، نوع خوراکیها و پرستش بتان، زندان و قضا و راهزنی و مطالب مربوط به بتخانه ها و کیفیت طهارت و شست و شو (ص ۵۲-۵۵).

اهم مطالب کتاب دوم از سیرافی نیز عبارت است از غلبه یانشو بر چین و کشتار فجیع مردم در خانفو که منجر به قطع روابط بازرگانی و تجارت ابریشم به شهرهای غربی شد و شکست یانشو از ترکان (ص ۶۰-۶۲)؛ برخی از رسوم چینیان و پول رایج آنان و مهارتی که در نقاشی دارند (ص ۶۲-۶۵)؛ مسافرت ابن وهب به چین (ص ۶۵-۶۹)؛ وصف شهر خانفو (ص ۶۹-۷۰) و نیز زایج (احتمالاً جزیره جاوه) (ص ۷۰-۷۵)؛ مسافرت تاجری خراسانی به چین و اختلاف او با یکی از نزدیکان پادشاه چین و زندانی شدن او (ص ۷۶-۷۷)؛ چگونگی تعیین قاضی القضاات (ص ۷۸)؛ برخی از عادات مردم چین خاصه در امر ازدواج با اقارب (ص ۸۰-۸۱)؛ مطالبی پراکنده راجع به عقاید هندیان درباره خودسنوزی و نیز توصیف جزیره سرندیب، بت مولتان، شرح بلاد زنج، جزیره اسکودره و ساحل جنوبی دریای هندوچین و برخی از عادات پادشاهان هند در آرایش و خوردن غذا (ص ۸۰-۹۵).

نکته بسیار مهم در کتاب اول اخبار الصين (ص ۳۵-۳۸) ذکر مسافتهای دریایی و مسیر سفر از بصره به خانفوست. مؤلف نخست مسافت بصره تا سیراف و از آنجا تا مسقط را به فرسنگ داده، و از آن پس مسافتهای را با شمار روزهای لازم برای طی مراحل چنان با دقت بیان کرده است که با وجود تصحیف و تحریف در نامها، فران توانسته است جایگاه هریک را در نقشه های جغرافیایی جدید معین کند. ابن فقیه (ص ۱۱-۱۳) این بخش از کتاب اول را نقل کرده است. مسعودی نیز در مروج الذهب (ج قاهره، ۱۵۵/۱-۱۹۷) و العجایب و دیگر آثارش (نک: خوری، ۱۹-۲۰)، و همچنین بیرونی در صیدنه (۱۹۵/۱، ۷۰۵/۲) و در الجواهر (ص ۱۶۴، جم) از کتاب اخبار الصين والهند استفاده کرده اند. ظاهراً از کتاب اخبار الصين والهند بیش از یک نسخه باقی نمانده است (نک: رنو، مقدمه، ۳؛ خوری، ۵). این کتاب نخست در ۱۷۱۸م به فرانسوی ترجمه و چاپ شد و آنگاه به انگلیسی و ایتالیایی برگردانده شد. نسخه متن عربی آن توسط رونود^۱ تهیه شد و در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می شود (EI², S). چون مطالب کتاب با گزارشهای میسیونرهای مسیحی مطابقت نداشت و کاتب و مترجم توضیحی برای محل نگهداری این نسخه ارائه نداده بود، از این رو متهم به عدم صداقت شد (رنو، مقدمه، ۱-۲) و حتی او را متهم کردند که مطالبی را از منابع عربی گرفته، و ساخته و پرداخته است. متن این کتاب در ۱۸۱۱م همراه با ملحقات توسط لانگله^۲ در پاریس چاپ شد (همو، مقدمه، ۳-۵)، ولی تا ۱۸۴۵م انتشار نیافت و در آن تاریخ همراه با ترجمه رنو در پاریس منتشر شد. در ۱۹۲۲م گابریل فران هر دو بخش کتاب را همراه با مقدمه و تعلیقات و نقد کافی به فرانسوی به چاپ رساند و در ۱۹۴۸م شواژه^۳ متن عربی و ترجمه فرانسوی آن را با توضیحات مفصل منتشر کرد. ابراهیم خوری نیز متن کتاب را همراه با مقدمه ای تحلیلی و شرح و

آتش این اختلاف دامن زد (نک: سپهر، ۸۳/۱). در پی صدور حکم قتل میرزا محمد، گروهی به خانه او هجوم بردند و او را به همراه فرزندش احمد و یکی از شاگردانش به قتل رساندند (ابراهیم، ۳۲۲-۳۲۳؛ نک: معلم، ۹۴۴/۳). پیکر میرزا محمد را با بستن ریسمان به پای وی، در کوچه و بازار گردانیدند (شیروانی، همانجا). بر زبانها چنان بود که میرزا محمد چند سالی پیش از کشته شدنش در رساله‌ای تاریخ کشته شدن خود را اینگونه پیش بینی کرده بود: «صدق غلب، صار تاریخا» (معلم، همانجا) که عبارت «صدق غلب» به حساب ابجد ۱۲۳۲ق را نشان می‌دهد. حتی برخی مدعیند که او شب قبل از حادثه، به صراحت گفته بود که چند ساعتی پیش، از زندگانی وی باقی نمانده است (سپهر، همانجا).

میرزا محمد یک دختر و ۳ پسر به نامهای محمد، احمد و علی داشت و دختر وی همسر ملا هادی سبزواری بود (معلم، همانجا). با وجود تقابل اندیشه میان او و مجتهدان مشهور، همگان کمابیش به فضل و جامعیت او در علوم معقول و منقول اذعان داشتند (خوانساری، ۱۲۷/۷؛ شیروانی، همانجا).

از جمله شاگردان او می‌توان این کسان را نام برد: فتحعلی خان شیرازی (آقابزرگ، ۳۴۴/۱۶)، محمد ابراهیم بن محمد علی طوسی (همو، ۲۲۱/۱۴)، محمدباقر بن محمد علی لاری دشتی که الکلمات الحقایق را در شرح کتاب البرهانیة میرزا محمد تألیف کرده است (معلم، ۹۴۱/۳)، محمدرضا بن محمد جعفر دوانی (آقابزرگ، ۱۲۹/۱۵)، محمد جواد سیاه‌پوش (همو، ۲۶۷/۸)، مصطفی بن اسماعیل موسوی، صاحب اللوامع المحمدیه (همو، ۳۷۰/۱۸) و عبدالصاحب بن محمد جعفر دوانی (همو، ۳۳۶/۱۶).

با آنکه میرزا محمد رده‌هایی بر عقاید صوفیه نوشته است، صاحب بستان السیاحه، در طریقت، سلسله او را به طریقه «مهدیه» می‌رساند (شیروانی، ۵۸۱) که البته طریقه‌ای ناشناخته است. برخی دیگر نیز عقایدی نزدیک به عقیده عرفانی شیخ احمد احسایی را بدو نسبت داده‌اند و گفته میرزا محمد در کتاب ومضة النور را شاهد آورده‌اند که وی شیخ احمد احسایی را با تعبیر «استادنا فی علم الیقین احمد بن زین الدین» ستوده است (نک: شورا، ۵۸۴/۹-۵۸۵).

آثار: میرزا محمد کتابهای متعددی نوشته که غالباً در فقه، کلام و در دفاع از تعالیم اخباریه و مخالفت با تعالیم اصولیان است. نوشته‌های میرزا محمد، بالغ بر ۸۰ کتاب و رساله است که ابراهیم بن میرزا احمد مجموعاً ۳۰ کتاب و ۵۶ رساله و ۲ دیوان شعر او را فهرست کرده است (ص ۳۱۶-۳۲۱). بیشتر آثار وی به عربی، و برخی نیز به فارسی است.

الف. چاپی: ۱. آینه عباسی در نمایش حق شناسی، که به نام امالی عباسی نیز فهرست شده است. این کتاب به فارسی است و به دستور عباس میرزا در رد عقاید یهود، نصاری و مجوس و اثبات نبوت نوشته

محضر چند تن از علمای برجسته، مانند آقا محمدعلی بهبهانی، میرزا مهدی شهرستانی و شیخ موسی بحرینی را درک کرد و دیری نپایید که در علوم معقول و منقول صاحب بصیرت شد. او در کنار علوم متداول دینی، در علوم غریبه از قبیل طلسمات و نیرجات و جفر و اعداد مطالعاتی کرد و در بحث و جدل نیز مهارت یافت (شیروانی، همانجا). از آنجا که وی سلوک اخباری را در پیش گرفته بود، با فقها و مجتهدان اصولی از جمله شیخ جعفر نجفی، سید علی طباطبایی، سید محمدباقر حجت الاسلام اصفهانی و محمد ابراهیم کلباسی، سخت درگیر شد و میان آنان دشمنی در گرفت (نک: تنکابنی، ۱۷۸-۱۸۰؛ نیز نک: ه.د. اخباریه). فشار اصولیان سبب شد تا میرزا محمد، عراق را ترک گویند و راهی ایران شود. وی مدتی را در مشهد و دیگر شهرهای ایران گذراند و با استقبال دستگاه حکومتی فتحعلی شاه، مدت ۴ سال در تهران اقامت کرد (شیروانی، همانجا). حضور او در تهران مصادف با شروع دوره اول جنگهای ایران و روسیه (۱۲۱۸-۱۲۲۸ق) بوده است. وی در تمام این مدت مورد توجه و احترام شاه قاجار بود و روزگار را به تصنیف و تدریس می‌گذرانید و از آنجا که از او کراماتی در میان عامه شهرت یافت، به «صاحب الکرامات» ملقب شد (ابراهیم، همانجا). یکی از کراماتی که بدو منتسب شد، داستان پیشگویی در خصوص قتل تسیتسیانف^۱ فرمانده سپاه روسیه در منطقه قفقاز بود: میرزا محمد به فتحعلی شاه پیشنهاد کرد که حاضر است برای نابودی این فرمانده روسی چله بنشیند تا پس از گذشت ۴۰ روز، سر تسیتسیانف را برای شاه بیاورند و در عوض، حکومت قاجار متعهد گردد که حقیقت ماجرا را آشکار، و از اخباریگری حمایت کند. به دنبال این گفت‌وگو، میرزا محمد به مزار حضرت عبدالعظیم در ری رفت و در حجره‌ای در به روی خود بست و با اعمالی خاص چله نشست (دریارة اعمال غریب او در این چله، نک: نفیسی، ۲۵۱/۱-۲۵۲؛ سپهر، ۸۲/۱-۸۳). پس از گذشت ۴۰ روز، سر سردار روس توسط سواری به درگاه فتحعلی شاه آورده شد. به هر تقدیر با فشار و سعایت رجال متنفذ، شاه قاجار دست از حمایت میرزا محمد برداشت و او را روانه عراق ساخت (نک: تنکابنی، همانجا). در این میان نقش علمای اصولی، به ویژه شیخ جعفر نجفی را که کتابی با عنوان کشف الفطاء در ذم میرزا محمد تصنیف کرد و برای شاه فرستاد، نباید نادیده گرفت (خوانساری، ۲۰۲/۲).

میرزا محمد پس از ترک تهران در کاظمین رحل اقامت افکند (شیروانی، ۵۸۱) و باز از ابراز مخالفت علنی با اصولیان - چه در گفتار و چه در نوشتار - خودداری نکرد و همین امر سبب شد که حکم قتل او توسط علما و مجتهدان بنام آن زمان، همچون سید محمد مجاهد (صنیع الدوله، ۱۶۷/۳)، شیخ موسی، سید عبدالله شیر و شیخ اسدالله کاظمینی (نک: معلم، ۹۴۳/۳) صادر شود. البته جنگ قدرتی که میان دو تن از عوامل حکومت عثمانی که داعیه حکمرانی بغداد را داشتند، یعنی اسعد پاشا که مصلحت خویش را در حمایت از میرزا محمد می‌دید، و داوود پاشا که در صدد جلب حمایت علمای اصولی و مجتهدان بود، بر

شده است (آقابزرگ، ۵۳/۱، ۳۱۸/۲). مشار از چاپ کتاب گزارش کرده است (۵۸۸/۵). ۲. ایقاف النبی، در فقه که میرزا ابراهیم از نوادگان میرزا محمد آن را تصحیح کرده، و جزء اول کتاب را همراه با مقدمه‌ای در ۱۳۵۶ ق/۱۹۳۷ م در مصر به چاپ رسانده است. ۳. دوائر العلوم. مؤلف در این کتاب مطالب خود را از دانشهای گوناگون در دایره‌هایی گرد آورده، و فهرست آنها را در آغاز کتاب یاد آورده است. این کتاب که نام دیگر آن تحفة الخاقان است (آقابزرگ، ۲۶۷/۸)، در ۱۴۰۲ ق در قم به چاپ رسیده است. ۴. البرهان فی التکلیف و البیان، در بیان تکلیف و اسباب آن و تشدید مسلک اخباری و رد مجتهدان که علی محمد باب آن را حاشیه کرده، و برخی از مطالب آن را مورد اعتراض قرار داده است. به این اعتراضات، توسط یکی از شاگردان میرزا محمد به نام میرزا محمدباقر لاری دشتی در الکلمات الحقایقه که شرحی بر کتاب البرهان است، پاسخ گفته شده است (معلم، ۹۳۶/۳). البرهان که البرهانیه نیز خوانده شده، در ۱۳۴۱ ق در بغداد به چاپ رسیده است. ۵. فتح الباب، که میرزا محمد آن را برای یکی از شاگردانش به نام ملا عبدالحسین تألیف کرده است (همو، ۹۳۸/۳). این کتاب در ۱۳۴۲ ق به اهتمام جمال الدین میرزا احمد اخباری به چاپ رسیده است. ۶. مصادر الانوار فی الاجتهاد و الاخبار، که در ۱۳۴۱ ق در بغداد و در ۱۳۴۲ ق در نجف انتشار یافته است.

ب. خطی: ۱. اصول دین و فروع آن، رساله‌ای است در عقاید که مؤلف در آن به استدلال نپرداخته است. با توجه به وجود دو تحریر فارسی و عربی از این کتاب، احتمال می‌رود که میرزا محمد، این کتاب را به دو زبان فارسی و عربی نگاشته باشد (نک: منزوی، خطی، ۸۸۷/۲). ۲. تحفة امین، یا درمین. این رساله در پاسخ ۱۲ پرسش محمد امین خان همدانی نوشته شده است (همان، ۹۴۱/۲). ۳. تحفة جهانبانی، این کتاب به فارسی و در اثبات امامت حضرت علی (ع) به استناد ادله عقلی و نقلی است و مباحثی دیگر در اصول دین را شامل می‌شود. مؤلف این اثر را به محمد علی میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار اهدا کرده است (همان، ۹۰۸/۲-۹۰۹). ۴. تحفة لاریه، که در نسخه‌ها به نامهای لاریه (همان، ۹۱۱/۲) و مختصر لاریه (همو، خطی مشترک، ۱۰۵۷/۲) نیز آمده است. ۵. حجر ملقم، در تاریخ پیدایش روش اجتهاد و عمل به اخبار و اثبات امامت به روش اخباری که در آن ۱۲ دلیل عقلی و نقلی برای ابطال اجتهاد نیز اقامه شده است (همو، خطی، ۹۳۳/۲). ۶. حرمة التباک و القهوه. این کتاب مجموعه‌ای از احادیث و روایتهاست که مؤلف در اثبات حرمت استعمال تنباکو و نوشیدن قهوه به آنها استناد کرده است (برای نسخه خطی آن، نک: مرعشی، ۶۳/۱۵-۶۴). ۷. ذخیره الالباب و بغیة الاصحاب، در ۲۳ باب که در آن دانشهای گوناگون را در دایره‌ها و جدولهایی همانند کتاب دیگرش دوائر العلوم آورده است، باب اول این کتاب درباره حروف و باب آخر آن شامل مباحثی از فقه است (نک: آقابزرگ، ۱۴/۱۰). ۸. رساله در رد عقاید صوفیه (مرکزی، ۱۶۸۵/۱۰)، ۹. رساله در رد وحدت وجود و

توجه صوفیان در نماز و دعا به مرشد (همان، ۱۶۸۶/۱۰). ۱۰. رساله شهادت بر ولایت در اذان، که در پاسخ پرسش فتحعلی شاه در خصوص شهادت بر ولایت به هنگام اذان نوشته شده است (شورا، ۷۲/۱۰-۷۳). ۱۱. فلاح المؤمن و صلاح الامین. در سند دعای «الحرز الیمانی»، معروف به دعای «سیفی» که مؤلف آن را به نام سید محمدخان بن میرزا معصوم خان طباطبائی تألیف کرده، و دارای ۵ فصل و یک خاتمه است (نک: آقابزرگ، ۲۰۹/۱۲). ۱۲. شمس الحقیقه، در تعلیم اخباریه که در ۳۴ «شمس» تألیف شده است (نک: همو، ۲۲۱/۱۴). ۱۳. ضیاء المتقین، در رد اصولیه که مؤلف آن را در ۱۲۲۸ ق در کاظمین نوشته است (آستان، ۳۹۱؛ نیز نک: معلم، ۹۳۸/۳). ۱۴. قسبة العجول و منبہة الفحول (یا منیة الفحول). به زبان فارسی که در اخبار و اصول و رد بر عقاید اصولیه نوشته شده، و تألیف آن در پاسخ سؤال سید بحر العلوم بوده است (نک: آقابزرگ، ۳۶-۳۵/۱۷؛ آستان، ۴۴۱). ۱۵. القسورة، در بیان اعتراضهایی بر مجتهدان که مؤلف، آن را برای میرزای قسی فرستاده، و میرزا نیز کتابی در رد آن نوشته بوده است (نک: آقابزرگ، ۸۳/۱۷). ۱۶. قلع الاساس، در رد اساس الاصول، که نام دیگر آن معاول العقول فی قلع اساس الاصول است (همو، ۱۶۶/۱۷). ۱۷. المبین و النهج المستبین، در فضایل بنی‌هاشم و ائمه طاهرین (ع) و پاره‌ای از مطالب مربوط به فقه‌های سبعه و امامان چهارگانه اهل سنت و عشرة مبشره که بیشتر روایتهای آن از منابع اهل سنت گرفته شده، و از آثار شیعه کمتر روایت شده است (مرعشی، ۲۵۴/۵-۲۵۵، ۷۰/۹). ۱۸. معراج التوحید و الدر الفرید، در اسماء صفات وضحت حمل و اطلاق آنها بر ذات الهی که با استناد به اخبار و احادیث نوشته شده است (نک: همو، ۳۳۴/۸). ۱۹. میزان التمییز فی العلم العزیز، شامل مباحثی از علم کلام و عرفان که الحجة البالغة نیز نامیده شده است (منزوی، همان، ۱۴۲۳/۲). ۲۰. المیزان لمعرفة الفرقان، در پاسخ سؤال شیخ عبدالله ابن شیخ مبارک بن علی بن حمیدان که در آن به ادله علمای اخباری در خصوص چگونگی قرائت تسیبیحات اشاره می‌شود (نک: آقابزرگ، ۳۱۷/۲۳). ۲۱. ومضة النور. مؤلف در این کتاب در تطبیق اسماء الله و اسماء ائمه (ع) کوشیده، و آشکالی رسم کرده است. مثنوی فارسی «ثلث الاسماء الحسنی» از میرزا محمد نیز در این کتاب آمده است (شورا، ۵۸۴/۹-۵۸۵). ۲۲. مجالی المجالی، در رد بر ملا علی نوری که تألیف آن در ۱۲۲۱ ق به اتمام رسیده است. یکی از شاگردان میرزا محمد به نام محمد ابراهیم بن علی طبسی، این کتاب را به نام مرآت آگاهی یا آئینه شاهی به فارسی ترجمه کرده که نسخه اصلی آن باقی است (نک: معلم، ۹۴۰/۳، برای اطلاع از دیگر آثار وی، نیز نک: ۹۳۵/۳-۹۴۰).

ماخذ: آستان قدس ف، فهرست: آقابزرگ، الذریعة: ابراهیم بن میرزا احمد، «ترجمة میرزا محمد الاخباری»، همراه ایقاف النبی میرزا محمد اخباری، قاهره، ۱۳۵۶ ق/۱۹۳۷ م؛ ابن عنبه، احمد، عمدة الطالب، نجف، ۱۳۸۰ ق/۱۹۶۱ م؛ امین، محسن، اعیان الشیعة، بیروت، ۱۴۰۳ ق/۱۹۸۳ م؛ تکانی، محمد، قصص العلماء، تهران، ۱۳۶۴ هـ؛ خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، تهران، ۱۳۹۰ ق؛ سپهر،

شده است (آقابزرگ، ۵۳/۱، ۳۱۸/۲). مشار از چاپ کتاب گزارش کرده است (۵۸۸/۵). ۲. ایقاف النبی، در فقه که میرزا ابراهیم از نوادگان میرزا محمد آن را تصحیح کرده، و جزء اول کتاب را همراه با مقدمه‌ای در ۱۳۵۶ ق/۱۹۳۷ م در مصر به چاپ رسانده است. ۳. دوائر العلوم. مؤلف در این کتاب مطالب خود را از دانشهای گوناگون در دایره‌هایی گرد آورده، و فهرست آنها را در آغاز کتاب یاد آورده است. این کتاب که نام دیگر آن تحفة الخاقان است (آقابزرگ، ۲۶۷/۸)، در ۱۴۰۲ ق در قم به چاپ رسیده است. ۴. البرهان فی التکلیف و البیان، در بیان تکلیف و اسباب آن و تشدید مسلک اخباری و رد مجتهدان که علی محمد باب آن را حاشیه کرده، و برخی از مطالب آن را مورد اعتراض قرار داده است. به این اعتراضات، توسط یکی از شاگردان میرزا محمد به نام میرزا محمدباقر لاری دشتی در الکلمات الحقایقه که شرحی بر کتاب البرهان است، پاسخ گفته شده است (معلم، ۹۳۶/۳). البرهان که البرهانیه نیز خوانده شده، در ۱۳۴۱ ق در بغداد به چاپ رسیده است. ۵. فتح الباب، که میرزا محمد آن را برای یکی از شاگردانش به نام ملا عبدالحسین تألیف کرده است (همو، ۹۳۸/۳). این کتاب در ۱۳۴۲ ق به اهتمام جمال الدین میرزا احمد اخباری به چاپ رسیده است. ۶. مصادر الانوار فی الاجتهاد و الاخبار، که در ۱۳۴۱ ق در بغداد و در ۱۳۴۲ ق در نجف انتشار یافته است.

ب. خطی: ۱. اصول دین و فروع آن، رساله‌ای است در عقاید که مؤلف در آن به استدلال نپرداخته است. با توجه به وجود دو تحریر فارسی و عربی از این کتاب، احتمال می‌رود که میرزا محمد، این کتاب را به دو زبان فارسی و عربی نگاشته باشد (نک: منزوی، خطی، ۸۸۷/۲). ۲. تحفة امین، یا درمین. این رساله در پاسخ ۱۲ پرسش محمد امین خان همدانی نوشته شده است (همان، ۹۴۱/۲). ۳. تحفة جهانبانی، این کتاب به فارسی و در اثبات امامت حضرت علی (ع) به استناد ادله عقلی و نقلی است و مباحثی دیگر در اصول دین را شامل می‌شود. مؤلف این اثر را به محمد علی میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار اهدا کرده است (همان، ۹۰۸/۲-۹۰۹). ۴. تحفة لاریه، که در نسخه‌ها به نامهای لاریه (همان، ۹۱۱/۲) و مختصر لاریه (همو، خطی مشترک، ۱۰۵۷/۲) نیز آمده است. ۵. حجر ملقم، در تاریخ پیدایش روش اجتهاد و عمل به اخبار و اثبات امامت به روش اخباری که در آن ۱۲ دلیل عقلی و نقلی برای ابطال اجتهاد نیز اقامه شده است (همو، خطی، ۹۳۳/۲). ۶. حرمة التباک و القهوه. این کتاب مجموعه‌ای از احادیث و روایتهاست که مؤلف در اثبات حرمت استعمال تنباکو و نوشیدن قهوه به آنها استناد کرده است (برای نسخه خطی آن، نک: مرعشی، ۶۳/۱۵-۶۴). ۷. ذخیره الالباب و بغیة الاصحاب، در ۲۳ باب که در آن دانشهای گوناگون را در دایره‌ها و جدولهایی همانند کتاب دیگرش دوائر العلوم آورده است، باب اول این کتاب درباره حروف و باب آخر آن شامل مباحثی از فقه است (نک: آقابزرگ، ۱۴/۱۰). ۸. رساله در رد عقاید صوفیه (مرکزی، ۱۶۸۵/۱۰)، ۹. رساله در رد وحدت وجود و

محمدتقی، ناسخ التواریخ، به کوشش جهانگیر قائم مقامی، تهران، ۱۳۳۷ش؛ شورا، خطی؛ شیروانی، زین العابدین، بستان السیاحه، تهران، ۱۳۱۵ق؛ صنیع الدوله، محمدحسن، مظهر الشمس، تهران، ۱۳۰۳ق؛ مرعشی، خطی؛ مرکزی، خطی؛ مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، تهران، ۱۳۴۰-۱۳۴۴ش؛ معصوم علیشاه، محمد معصوم، طرائق الحقائق، تهران، ۱۳۱۸ق؛ معلم حبیب آبادی، محمدعلی، مکارم الآثار، اصفهان، ۱۳۵۱ش؛ منزوی، خطی؛ همو، خطی مشترک؛ نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران، تهران، ۱۳۶۱ش.

اخباریان، در فقه متأخر امامی گروهی که به پیروی از اخبار و احادیث اعتقاد دارند و روشهای اجتهادی و اصول فقه را نمی‌پسندند. در مقابل آنان فقیهان هوادار اجتهاد قرار می‌گیرند که با عنوان «اصولی» شناخته می‌شوند. بدون لحاظ عنوانهای «اخباری» و «اصولی» تقابل این دو گونه نگرش به فقه امامی در سده‌های نخستین اسلامی ریشه دارد. در مطالعه جناح بندیهای مکاتب فقهی امامیه در ۳ قرن آغازین می‌توان جناحهایی را باز شناخت که در برابر پیروان متون روایت به گونه‌هایی از اجتهاد و استنباط دست می‌یازیده‌اند.

سده ۴ ق/۱۰م را می‌توان اوج قدرت مکتب حدیث گرای قم محسوب داشت، به گونه‌ای که فقیهان اهل استنباط چون ابن ابی عقیل عمانی و ابن جنید اسکافی در اقلیت قرار می‌گرفتند. از برجستگان فقیهان حدیث گرا در این دوره، می‌توان کسانی همچون محمد بن یعقوب کلینی (د ۳۲۸ یا ۳۲۹ ق/۹۴۰ یا ۹۴۱ م)، علی ابن بابویه قمی (د ۳۲۸ ق)، ابن قولویه (د ۳۶۸ یا ۳۶۹ ق/۹۷۹ م) و محمد ابن بابویه قمی (د ۳۸۱ ق/۹۹۱ م) را بر شمرد که در تألیف کهن‌ترین مجموعه‌های فقهی حدیثی نقش عمده‌ای ایفا نموده‌اند (نک: هـ، اجتهاد؛ نیز مدرسی طباطبائی، ۳۴ به بعد). از سوی دیگر با ظهور شیخ مفید (د ۴۱۳ ق/۱۰۲۲ م) و در پی او سید مرتضی (د ۴۳۶ ق/۱۰۴۴ م) و شیخ طوسی (د ۴۶۰ ق/۱۰۶۸ م) و تألیف نخستین آثار در اصول فقه امامیه، حرکتی نوین در فقه امامی رخ داد که تا قرنهای گرایش فقه به استنباط را بر حدیث‌گرایی برتری داد. به هر روی تقابل این دو گرایش در جای جای آثار عالمان یاد شده، به چشم می‌خورد. در اوائل المقالات شیخ مفید از فقیهان اهل استنباط با تعبیر مطلق «فقهائ» و از حدیث‌گرایان با تعبیرهای «اهل النقل»، «اصحاب الآثار» و تعبیرهای مشابه بارها یاد شده است (نک: ص ۱۹، ۲۳، جم). در رساله‌ای از سید مرتضی، تعبیر فقیهان «اصحاب حدیث» در مقابل فقیهانی به کار رفته است که روش اصولی داشته، و مورد حمایت مؤلف بوده‌اند (ص ۱۸).

کاربرد اصطلاح اخباری برای پیروان متون روایات و اخبار، نخستین بار در نیمه نخست سده ۶ ق/۱۲م در ملل و نحل شهرستانی به چشم می‌آید (۱۴۷/۱) و به دنبال آن در کتاب نقض عبدالجلیل قزوینی رازی، عالم امامی سده ۶ ق در اصطلاح اخباری و اصولی در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند (ص ۲۵۶، ۳۰۱-۳۰۰). مکتب فقیهان اهل حدیث که در اواخر سده ۴ و نیمه نخست سده ۵ ق با کوشش فقیهان اصول گرا ضعیف گردید، وجود محدود خود را در مجامع فقهی امامیه

حفظ نمود، تا آنکه در اوایل سده ۱۱ ق/۱۷م بار دیگر به وسیله محمد امین استرآبادی (د ۱۰۳۳ یا ۱۰۳۶ ق/۱۶۲۴ یا ۱۶۲۷ م) در قالبی نو مطرح شد (نک: مدرسی طباطبائی، ۵۷) که لبه تیز حملات خود را متوجه پیروان گرایش غالب در فقه امامی، یعنی جناح اصول‌گرایان ساخت. باید به این نکته نیز اشاره کرد که برخی معتقدند ابن ابی جمهور احسایی (زنده در ۹۰۴ ق/۱۴۹۹ م) از جمله کسانی بود که راه را بر اخباریان هموار گردانید. او در رساله‌ای با عنوان العمل باخبار اصحابنا، به اقامه ادله‌ای در این زمینه پرداخته بوده است (نک: حر عاملی، امل، ۲/۲۵۳؛ خوانساری، ۳۳/۷).

با عنایت به پیشینه تاریخی اخباریگری، در واقع رواج و اطلاق عنوان اخباری بر گروهی خاص و با معنی و اصطلاح مشخص امروزی آن از سده ۱۱ ق و با ظهور پیشوای حرکت نوین اخباری، یعنی محمد امین استرآبادی که برخی او را با صفت «اخباری صلب» وصف کرده‌اند (بحرانی، ۱۱۷)، آغاز شده است. درباره‌ی وی به عنوان مؤسس مکتب اخباری در میان شیعیان متأخر گفته‌اند: او نخستین کسی بوده است که باب طعن بر مجتهدان را گشود و امامیه را به دو بخش اخباریان و مجتهدان (= اصولیان) منقسم گردانید (کشمیری، ۴۱؛ تنکابنی، ۳۲۱؛ بحرانی، همانجا).

استرآبادی نخست در سلک مجتهدان بود و از صاحب مدارک و صاحب معالم اجازه اخذ کرد و مدتی خود از طریقه ایشان تبعیت می‌کرد، اما دیری نگذشت که از روش استادانش روی برتافت و بر ضد گروه مجتهدان برخاست (نک: استرآبادی، ۲؛ نیز خوانساری، ۱۲۰/۱). برخی چنان می‌پندارند که کلیه گامهایی که او برداشت، نتیجه تأثیر افکار استادش میرزا محمد استرآبادی بر وی بوده است (همانجا؛ نیز نک: استرآبادی، ۱۱، جم).

محمد امین تعالیم خود را در کتابی با عنوان الفوائد المدنیة تدوین کرده که در میان آثار او، اثری شاخص است و از مهم‌ترین منابع در باب نظرات او به طور کلی اخباریان محسوب می‌گردد. علاوه بر محمد امین استرآبادی، از پیروان تندرو و متعصب مکتب اخباری در سده ۱۱ ق باید از عبدالله بن صالح بن جمعه سماهیجی بحرانی صاحب منیه الممارسین، نام برد که به کثرت طعن بر مجتهدان شهره بود (خوانساری، ۴/۲۴۷؛ تنکابنی، ۳۱۰). شیخ یوسف بحرانی او را از اخباریان شمرده، و افزوده است که وی به اهل اجتهاد بسیار ناسزا می‌گفت، در حالی که پدرش ملا صالح اهل اجتهاد بود (ص ۹۸).

از دیگر رهبران تندرو اخباریان، ابو احمد جمال‌الدین محمد بن عبدالنبی، محدث نیشابوری استرآبادی (م ۱۲۳۲ ق/۱۸۱۷ م)، معروف به میرزا محمد اخباری بود که از مجتهدان نامدار اصولی مانند میرزا ابوالقاسم قمی، شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء، میرسیدعلی طباطبائی، سید محمدباقر حجت‌الاسلام اصفهانی و محمدابراهیم کلباسی به زشتی یاد می‌کرد و با آنان دشمنی آشکار داشت (خوانساری، ۱۲۷/۷ به بعد؛ نفیسی، ۲۵۰).